

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۸ جولای ۲۰۲۱

تروریسم جمهوری اسلامی را در هر شکل و شمایل و علیه هر جریان و فردی محکوم کنیم!

«اول به سراغ یهودی‌ها رفتند
من یهودی نبودم، اعتراضی نکردم
پس از آن به پولندی‌ها حمله بردند
من پولندی نبودم و اعتراضی نکردم
آن‌گاه به لیبرال‌ها فشار آوردند
من لیبرال نبودم، اعتراض نکردم
سپس نوبت به کمونیست‌ها رسید
کمونیست نبودم، بنابراین اعتراضی نکردم
سرانجام به سراغ من آمدند
هر چه فریاد زدم کسی نمانده بود که اعتراضی کند»

(ماره‌نن نیمولر)

شعر مشهور فوق که توسط ماره‌نن نیمولر سروده شده است، اولین بار به‌صورت رسمی در جمع دانشجویان هنگامی که در مورد شرایط کمپ داخائو از او سؤال پرسیدند در پاسخ توسط وی خوانده شد. بسیاری به اشتباه شعر فوق را به برتولت برشت نسبت می‌دهند که با وجود این‌که برشت اشعاری با مضامین مشابه دارد اما سراینده این شعر نیست. شعر فوق به دلیل این که به کشتار کمونیست‌ها و فعالین کارگری مقدم بر یهودیان اشاره می‌کند تا مدت‌ها از کلیه کتاب‌ها و مطالبی که در مورد نیمولر نوشته می‌شد حذف شده و یا انعکاس پیدا نمی‌کرد، تنها خود نیمولر در کتابی که در مورد زندگی‌اش نوشته است به ماجرای این شعر و پرسش و پاسخ با دانشجویان اشاره می‌کند. موزه هولوکاست در امریکا، شعر نیمولر را انتشار و از آن تابلو ساخته، اما در اصل شعر دست برده‌اند. این موزه نه تنها کلمه یهودیان را به اول شعر اضافه کرده است، بلکه همانند مجله تایم کلمه کمونیست‌ها را هم از متن شعر حذف کرده است. ال گور نیز وقتی در سال ۱۹۹۲ برای جمهوری خواهان شعر نیمولر را می‌خواند، عمداً اتحادیه‌های کارگری را از آن حذف می‌کند.

وی جایزه صلح لنین را در سال ۱۹۶۷ و جایزه Grand Cross of Merit را در سال ۱۹۷۱ دریافت کرد و در تاریخ ۶ مارس ۱۹۸۴ درگذشت.

شعر بالا مصداق روشنی با موضع‌گیری‌های گرایش‌های مختلف اپوزیسیون ایرانی از چپ تا راست و میانه علیه تروریسم جمهوری اسلامی است.

متأسفانه تجارب تاکنونی اپوزیسیون ایرانی نشان داده است حتی در رابطه با تروریسم جمهوری اسلامی نیز بین احزاب و سازمان‌های مختلف مرزبندی فرقه‌گرایانه وجود دارد که نهایتاً به نفع جمهوری اسلامی تمام می‌شود. اگر یک عنصر راست را ترور کردند گفته می‌شود چه ربطی به چپ‌ها دارد و بالعکس. اگر مجاهدی را ترور کردند می‌گویند چه ربطی به لیبرال‌ها دارد و... چنین سیاستی به غایت نادرست است که به نفع دشمن تمام می‌شود. تازه محکوم کردن تروریسم جمهوری اسلامی هیچ مرز حزبی و طبقاتی را به هم نمی‌ریزد و وجهه فعالیت جنبشی را برجسته می‌کند. تا روزی که جمهوری اسلامی بر سر حاکمیت ایران قرار دارد نباید کسی تصور کند که تهدید و ترور و شکنجه و اعدام آن پایان یابد. تروریسم جمهوری اسلامی در خارج کشور در اشکال مختلف فعالیت دارد. از دیپلمات و نمایندگان فرهنگی گرفته تا دانشجوی مهمان، فعال شبکه‌های اجتماعی، سرمایه‌دار، مغازه‌دار، مترجم، فعال سیاسی و غیره برای جمهوری اسلامی جاسوسی می‌کنند.

تاکنون جاسوسان و تروریست‌های جمهوری اسلامی در همه این اشکال توسط سازمان‌های مخفی کشورهای مختلف جهان شناسایی شده‌اند و گاهی نیز آن‌ها را بی‌سروصدا از آن کشور اخراج کرده‌اند تا منافع اقتصادی و دیپلماتیک آن دولت با جمهوری اسلامی در معرض خطر قرار نگیرد.

در چنین وضعیتی و مبارزه با چنین حکومت وحشی، نمی‌تواند به چهارچوب این و یا آن تشکیلات محدود بماند زیرا اولاً هیچ حزب و سازمان و نهادی نمی‌تواند ادعا کند که به تنهایی قادر است جمهوری اسلامی را سرنگون کند و دولت دل‌خواه خود را تشکیل دهد. اگر چنین مسأله این‌جا و آن‌جا مطرح شود تنها یک ادعای کاذب است و حقیقت ندارد. به علاوه تجربه تاکنون نشان داده است که جمهوری اسلامی در تلاش است همه نیروهای اپوزیسیون از راست تا چپ و میانه را از بین ببرد و فعالین آن‌ها ترور کند. بنابراین وظیفه همه این اپوزیسیون از راست و چپ و میانه است که هرگونه ترور و جاسوسی جمهوری اسلامی را محکوم کند.

با این مقدمه به بحث خود در رابطه با تروریسم جمهوری اسلامی ادامه می‌دهیم.

یک فعال سیاسی کرد ایرانی که از ۱۰ سال پیش به عنوان پناه‌جو به اقلیم کردستان رفته بود، توسط افراد ناشناس مسلح به قتل رسید.

بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشر ههنگاو، ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۰-۱۴ جولای ۲۰۲۱، یک فعال سیاسی اهل دیواندره با هویت «بهروز رحیمی» معروف به (ربیین) ۴۹ ساله در محل کار خود واقع در محله «ژاله» سلیمانیه که منطقه‌ای خارج از محدوده شهر است، توسط افراد ناشناس به قتل رسید.

به گفته منابع آگاه، این فعال سیاسی نگهبان یک انبار بوده و توسط سرنشینان یک اتومبیل (BMW - مشکی) با اسلحه کلت کمری (با خفگی) از ناحیه پشت سر مورد اصابت گلوله قرار گرفته و پس از انتقال به بیمارستان «شورش» سلیمانیه در اثر شدت جراحات جاننش را از دست داده است.

یک منبع نزدیک به خانواده ربیین رحیمی ضمن تأیید این خبر به همنگاو اعلام کرد که «آقای رحیمی از اعضای فعال حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) بوده و از ۱۰ سال پیش به عنوان پناهمجوی سیاسی در اقلیم کردستان ساکن است و ابتدا در شهر قلعهمزه ساکن بوده و طی سال‌های اخیر سالن شهر سلیمانیه بوده است.»

در رابطه با این ترور هنوز نهادهای امنیتی در اقلیم کردستان هیچ اظهار نظری در این باره نکرده‌اند. با این حال فعالین مدنی، انگشت اتهام را به سوی جمهوری اسلامی ایران نشانه گرفته‌اند که طی چند دهه اخیر نزدیک به ۴۰۰ تن از فعالین سیاسی و اعضای احزاب کردستان ایران را در داخل خاک اقلیم کردستان ترور کرده است.

همسر بهروز رحیمی طی گفت‌وگویی با همنگاو اعلام کرده که توسط نهادهای امنیتی ایران تهدید شده‌ایم. روناهی، همسر بهروز رحیمی طی گفت‌وگویی که با همنگاو داشت گفت: «ما هیچ خصومت شخصی با هیچ فرد و جریانی نداشته و تنها دشمن ما جمهوری اسلامی است و مأموران آن‌ها (نیروهای امنیتی ایران) سه ماه پیش ما را تهدید کرده‌اند.»

وی در این گفت‌وگو اعلام کرد که «عوامل رژیم ایران اوایل بهار امسال از طریق تماس تلفنی و شبکه‌های مجازی ما را تهدید و از ما خواستند که دست از فعالیت‌های سیاسی خود برداریم و زمانی که متوجه شدند ما حاضر به این کار نیستیم، این بار به ما پیشنهاد همکاری داده و از ما خواستند که در قبال پول و امکانات مالی با آن‌ها همکاری کنیم که به آن‌ها جواب رد دادیم.»

چند روز پیش نیز رسانه‌ها از طرح توطئه جمهوری اسلامی ایران برای ربودن مسیح علی‌نژاد، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر ساکن نیویورک خبر دادند.

سه‌شنبه ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۱، مقام‌های دادگستری ایالت نیویورک چهار نفر از جمله «یک مأمور اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران» را به توطئه‌چینی برای ربودن مسیح علی‌نژاد، روزنامه‌نگار منتقد حکومت ایران در امریکا و برنامه‌ریزی برای انتقال او به ونزوئلا و سپس ایران متهم کردند.

وزارت دادگستری امریکا در بیانیهای اعلام کرد یک تیم چهار نفره دست‌کم از ژوئن ۲۰۲۰ برنامه‌ریزی کرده‌اند که یک فعال حقوق بشر و روزنامه‌نگار را از بروکلین برابیند، اما این برنامه‌ریزی خنثی شده است.

بر اساس این بیانیه، علیرضا شوارقی فراهانی، ۵۰ ساله، محمود خاضعین، ۴۲ ساله، کیا صادقی ۳۵ ساله و امید نوری ۴۵ سال همگی شهروند ایران متهم شده‌اند که قصد داشتند این روزنامه‌نگار را به ایران منتقل کنند تا محاکمه شود.

بنابر اعلام وزارت دادگستری امریکا، تیم اطلاعاتی جمهوری اسلامی به رهبری علیرضا فراهانی، در حال برنامه‌ریزی برای ربودن این روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر از منزلش تا ساحل و یافتن قایق تندرو برای انتقال او به ونزوئلا بوده‌اند.

این چهار نفر اکنون در ایران به سر می‌برند ولی نیلوفر بهادری‌فر معروف به «نلی بهادری‌فر» که اکنون ساکن کالیفرنیا است به همدستی با این افراد متهم شده است. اتهام نیلوفر بهادری ارانه خدمات مالی به این افراد برای این توطئه اعلام شده است. او در حال حاضر حاضر با قرار وثیقه آزاد است.

طبق بیانیه وزارت دادگستری، تیم اطلاعاتی ایران با ارائه مدارک جعلی و دروغ گفتن درباره هدف خود به تهیه ابزارهای جاسوسی اقدام می‌کردند و در چند مورد در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ برای تحت نظر گرفتن قربانی از کارآگاه‌های خصوصی استفاده کردند.

به گفته وزارت دادگستری امریکا، تیم اطلاعاتی جمهوری اسلامی مرتبا بر لزوم بالا بودن کیفیت عکس و فیلم‌ها از خانه قربانی و اطراف آن، بازدیدکنندگان، اشیاء اطراف منزل او تاکید می‌کردند.

در یکی از ایمیل‌هایی که یکی از اعضای تیم اطلاعاتی ایران به یکی از کارآگاهان خصوصی فرستاده از او تقاضای تخفیف کرده است. این در حالی است که بر اساس اخبار منتشر شده، این تیم چهار نفره حداقل نیم میلیون دلار برای اجرای این طرح دریافت کرده بودند.

پس از انتشار این بیانیه وزارت دادگستری مسیح علی‌نژاد در صفحه اینستاگرامش نوشت که او هدف این برنامه آدم‌ربایی جمهوری اسلامی بوده است.

بعد از آن بود که دولت امریکا هم طرح توطئه جمهوری اسلامی ایران برای ربودن مسیح علی‌نژاد، را به شدت محکوم کرد. این در حالی است که پیشتر وزارت خارجه ایران این اتهام را رد کرده و ادعای دستگاه قضائی ایالات متحده را «مضحک و بی‌پایه» خوانده بود.

اکنون در جمهوری اسلامی ایران کار، به جایی رسیده است که یک تروریست با سابقه جمهوری اسلامی نیز فرمان ترور صادر می‌کند. کاظم دارابی، تروریست میکونوس که دستش به خون ۴ ایرانی مخالف جمهوری اسلامی ایران آغشته است، گفت: «محور مقاومت باید آقای ترامپ را ترور کند. من قتل آقای ترامپ را تکلیف شرعی می‌دانم.»

کاظم دارابی، عامل اطلاعاتی پیشین جمهوری اسلامی ایران که در اوایل دهه نود میلادی چهار نفر از رهبران کرد مخالف جمهوری اسلامی را در رستوران «میکونوس» در برلین پایتخت آلمان به قتل رساند، خواستار ترور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین امریکا، به خاطر صدور دستور قتل قاسم سلیمانی، فرمانده کشته‌شده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران شد.

به گزارش وبسایت «میمری»، که رسانه‌ها و جریان‌های افراطی را رصد می‌کند، دارابی در گفت‌وگو با «شبکه ۵» سیمای جمهوری اسلامی گفت: «حاج قاسم سلیمانی ترور شد، و رئیس‌جمهوری ایالات متحده دونالد ترامپ این جسارت را داشت که بیاید در تلویزیون و در برابر میکروفون‌های کل دنیا بگوید که او دستور این کار را داده است. این بدین معناست که اکنون محور مقاومت باید آقای ترامپ را ترور کند. من قتل آقای ترامپ را تکلیف شرعی می‌دانم.»

در پاسخ به سوال مصاحبه‌کننده که پرسید «به نظر شما چرا باید ترامپ ترور شود؟» دارابی گفت: «حتی اگر در اروپا یا امریکا کسی بیاید و کار تروریستی بکند، حکم آن شخص اعدام است. حکم آقای ترامپ هم مرگ از طریق اعدام است. انشالله ترامپ در آینده نزدیک ترور خواهد شد.»

دارابی البته نگفت که اگر در اروپا، حکم تروریست، «اعدام» است، پس چرا دادگاه آلمان، خود او را که به کار تروریستی در خاک اروپا محکوم شده بود، اعدام نکرد.

همگان می‌دانند که اصولا در اروپا مجازات اعدام وجود ندارد و این تروریست اطلاعات غلط به مردم می‌دهد. دارابی با تهدید کشورهای اروپائی و کشورهای همسایه ایران افزود: «همان‌طور که حضرت آقا (خامنه‌ای) فرمودند، امریکا ناقض حقوق بشر در جهان است، و باید اروپا و کشورهای همسایه ما که خود را وابسته به امریکا می‌دانند را نیز به امریکا اضافه کرد. آن‌ها هم در جرایم امریکائی‌ها و اروپائی‌ها شریک هستند.»

کاظم دارابی از تروریست‌های مشهور دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی است، که پس از مشارکت در قتل صادق شرفکندی دبیرکل حزب دموکرات ایران و همراهانش در رستوران میکونوس برلین در سال ۱۹۹۲، توسط دستگاه قضائی آلمان محاکمه و به جرم مشارکت در ترور، به حبس ابد محکوم شد.

دارایی پانزده سال بعد، در حرکتی که اعتراض بسیاری از مخالفان جمهوری اسلامی و نهادهای بین‌المللی دفاع از حقوق بشر را به دنبال داشت، در آذرماه سال ۱۳۸۶ از زندان آزاد و به ایران پس فرستاده شد.

معاون وزارت خارجه وقت و برخی دیگر از مقامات جمهوری اسلامی در فرودگاه مهرآباد تهران به استقبال دارایی شتافتند. در آن زمان، کارشناسان این عمل را در راستای تلاش‌های دولت آلمان برای بهبود روابط با رژیم ایران قلمداد کردند.

جمهوری اسلامی ترور مخالفان خود را در خارج از کشور از اولین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب ۵۷ آغاز کرد و در دهه‌های شصت و هفتاد آن را به اوج خود رساند. طی آن دو دهه حکومت ایران بارها متهم به ترور مخالفان سیاسی خود در خارج کشور شد.

پس از ترور شاپور بختیار، عبدالرحمن قاسملو و فریدون فرحزاد، غلام کشاورز، صدیق کمانگر، کاظم رجوی و...، پرونده ترورهای برون مرزی جمهوری اسلامی با متهم شدن به «تروریسم دولتی» توسط دستگاه قضائی آلمان به دلیل به قتل رساندن سه تن از رهبران کرد و مترجمشان در رستوران میکنونوس در برلین و خارج شدن سفرای کشورهای اروپائی از ایران، فقط برای چند سال بسته شد.

بنا به گفته مخالفان جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی بیش از ۲۰۰ عمل تروریستی علیه مخالفان در خارج ایران انجام داده است و این جدای از عملیات تروریستی جمهوری اسلامی علیه اتباع و اماکن خارجی است.

خمینی در ۱۴ فوریه ۱۹۸۹ با یک فتوای چند خطی رسماً فتوای قتل یک نویسنده انگلیسی به اسم سلمان رشدی را صادر نمود.

خامنه‌ای از اواخر سال ۷۱ از طریق محمدعلی تسخیری رئیس روابط بین‌الملل دفترش اقدام به راه‌اندازی اردوگاه‌های آموزشی برای مسلمانان سایر کشورها نمود. با تشکیل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی این اردوگاه‌ها زیر نظر آن سازمان به کار خود ادامه داد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ترورهای سیاسی در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی در مقایسه با ترورهای نامنظم زمان خمینی به دو برابر افزایش پیدا کرد. افزایش قابل توجه ترور در زمان رفسنجانی حاکی از نظرگاه رفسنجانی است که در هفتمین سال‌روز اشغال سفارت آمریکا در تهران گفت: «در لبنان ضربه‌ای که آمریکا خورد و خفتی که امریکائی‌ها تحمل کردند عمیقاً به حساب ما می‌گذارند و به حساب ما هم هست.» رفسنجانی رسماً در رسمی‌ترین تریبون جمهوری اسلامی (نماز جمعه تهران) از فلسطینیان دعوت کرد که به جای هر فلسطینی که کشته می‌شود آن‌ها باید پنج فرانسوی یا امریکائی بکشند.

خاتمی که در دوره خودش به گفت‌وگوی تمدن‌ها و «تنش‌زدائی» معروف شده است در مورد سلمان رشدی چنین می‌گوید: «سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی باید بر اساس حکم شرعی حضرت امام خمینی اعدام شود و هیچ راهی برای گریز وی از اجرای این حکم نیست. شرق و غرب جنایت‌کار به‌ویژه حاکمان انگلیس با توجه به انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی به جهانیان ثابت کردند که تنها با جمهوری اسلامی و امام دشمن نیستند بلکه با دین مبین اسلام و بیش از یک میلیارد مسلمان در سطح جهان نیز دشمن می‌باشند. سکوت حاکمان کشورهای عربی در مقابل انتشار کتاب آیات شیطانی این مسأله را ثابت کرد که آنان فقط در شعار مدافع اسلام و قرآن هستند. همچنین خاتمی در مقام وزیر تبلیغات خمینی «ریاست بریگاد مستقل ترور» را برعهده داشت.»

خلخالی قاضی شرع منصوب خمینی در مصاحبه با روزنامه کیهان ۱۴ مه ۱۹۷۹ چنین گفت: «کسانی که بعد از انقلاب اسلامی کشور را ترک نموده‌اند جنایتکاران واقعی محسوب می‌شوند و سزای آن‌ها مرگ است.»

محسن رضائی فرمانده سابق سپاه نیز گفت: «... روزی جرقه‌های خشم و نفرت (مسلمانان) در دل واشینگتن زبانه می‌کشد و مسئولیت عواقب آن نیز بر عهده‌ی امریکا است... روزی خواهد رسید که در هیچ جای این دنیا یهودیان نیز مانند سلمان رشدی نتوانند خانه‌ئی برای سکونت پیدا کنند.»

دادگاه میکنونوس و دادگاه بلژیک از جمله مهم‌ترین دادگاه‌های هستند که مستقیماً سران و مقامات و دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را محکوم به ترور مخالفین کرده‌اند.

«اسدالله اسدی»، دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی ایران در اتریش که از مصونیت دیپلماتیک برخوردار بود، همزمان با جشن چهلین سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را در زندانی در بلژیک گذراند و در انتظار برگزاری دادگاه بود. او رسماً به تلاش برای تهیه مواد منفجره با هدف کار گذاشتن آن در یکی از اجتماعات ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در پاریس متهم است. دستگیری اسدالله اسدی توسط آلمان و به درخواست بلژیک انجام شده بود.

دادستانی فدرال و امنیت ملی بلژیک، روز دوشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۷- ۲ ژوئیه ۲۰۱۸ از خنثی کردن طرح بمب‌گذاری در گردهمایی روز شنبه گذشته سازمان مجاهدین خلق در حومه پاریس و بازداشت دو بلژیکی ایرانی‌تبار در این رابطه در بروکسل خبر داد.

در چارچوب تحقیقاتی که در زمینه مبارزه با تروریسم از سوی دادستانی فدرال بلژیک انجام شد، «امیر س» ۳۸ ساله و «نسیمه ن» ۳۳ ساله، با حکم یک قاضی در شهر «آنتورپ»، روز دوشنبه ۲ ژوئیه به زندان منتقل شدند. این ۲، سوار بر یک خودرو مرسدس، همراه با ۵۰۰ گرم «استون پروکساید» که از مواد منفجره‌ی بسیار قدرتمند است و یک دستگاه برای انفجار این مواد، از سوی نیروهای ویژه پلیس بازداشت شده بودند. این ۲ نفر متهم شده‌اند که قصد داشته‌اند در گردهمایی سازمان مجاهدین خلق، بمب‌گذاری کنند.

خبرگزاری آلمان به‌نقل از گزارشی که شنبه ۷ مهر ۹۷ در هفته‌نامه آلمانی «اشپیگل» منتشر شد می‌گوید یک زوج بلژیکی ایرانی‌تبار، که به ظن مشارکت در برنامه‌ریزی یک حمله تروریستی در فرانسه بازداشت شدند، سال‌ها با وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران همکاری می‌کردند. اشپیگل می‌گوید به اطلاعاتی دارد که نشان می‌دهد دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران از حدود ۱۰ سال پیش زوج بازداشت شده فوق را برای جاسوسی در میان ایرانیان تبعیدی مخالف رژیم نفوذ داده است. به‌نوشته هفته‌نامه اشپیگل زوج بازداشت شده در بروکسل در جریان بازجویی‌های خود گفته‌اند که ده‌ها هزار یورو از مأموران اطلاعاتی رژیم ایران دریافت کرده‌اند.

همچنین در این پرونده از «مهرداد آ.»، ۵۴ ساله در فرانسه به اتهام همکاری در این طرح بمب‌گذاری، بازجویی شده است. ۲ فرد دیگری که در این زمینه از آن‌ها در فرانسه بازجویی شده، آزاد شده‌اند.

خنثی‌سازی طرح بمب‌گذاری در گردهمایی سازمان مجاهدین خلق ایران، نتیجه همکاری سرویس‌های اطلاعاتی و قضائی سه کشور بلژیک، آلمان و فرانسه بوده است.

پس از آن برای چند سال سوءقصدی علیه مخالفان سیاسی حکومت ایران اتفاق نیفتاد یا دست کم علنی نشد. خودداری جمهوری اسلامی از ترور مخالفانش در سال‌های پایانی دهه هفتاد و سال‌های آغازین دهه هشتاد هم به دلیل بالا بودن هزینه ترورهای خارج از مرزها بود؛ هم به دلیل باز شدن اندک فضای کشور در سال‌های اصلاحات.

در سال ۱۳۸۸، بسیاری از فعالین سیاسی و رسانه‌ای، به خصوص بعد از اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری و تقلب در آن در سال ۱۳۸۸ ناچار به ترک کشور شدند. همین موضوع باعث شد شاخه برون مرزی نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی بیش‌تر از پیش به دنبال «افزایش عمق نفوذ استراتژیک» خود در کشورهای همسایه ایران و حتی اروپا و آمریکا باشند؛ اما هزینه قتل مخالفان در خارج از کشور بالا رفته بود بنابراین شاید کشاندن مخالفان به داخل کشور یا ربودن آن‌ها بیش‌تر اولویت پیدا کرد.

جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر یک تغییر تاکتیکی داده است. به این شکل اگر تا پیش از آن عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی سعی می‌کرد، چند سالی‌ست که با تبلیغات گسترده «اجرای عملیات تروریستی» مانند ربودن یک فعال سیاسی یا روزنامه‌نگار و انتقال او به ایران را در بوق و کرنا می‌کند.

ترکیه اولین و نزدیک‌ترین پناهگاه مخالفان جمهوری اسلامی و محل ترانزیت آنان به کشورهای امن‌تر است، همین ویژگی این کشور را تبدیل به مکانی مطلوب برای عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی به منظور کنترل یا حذف مخالفان کرده است.

در آخرین اقدام نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در ترکیه که افشا شده است، مسعود مولوی وردنجانی، ادمین کانال تلگرامی جعبه سیاه، در این کشور ترور شد.

مولوی در مدت سکونتش در ترکیه اعلام کرده بود که توسط جمهوری اسلامی بارها تهدید به قتل شده است، چند باری هم تلاش کرده بود تا از طریق ترکیه به اروپا یا آمریکا برود که این تلاش‌هایش بی‌ثمر مانده بود. به گفته مولوی و اطرافیانش سفارت آمریکا در ترکیه جوابی برای درخواست انتقال او به آمریکا در قبال در اختیار قرار دادن اطلاعات نداده بود و تلاش او برای خروج غیرقانونی از ترکیه و پناهندگی به اروپا هم توسط پولیس ترکیه ناکام مانده بود.

مولوی در شامگاه ۲۳ آبان ۹۸ با فردی به نام علی اسفنجانی، از همکاران و دوستان سابقش که از ایران آمده بود، قرار ملاقات می‌گذارد. مولوی با این فرد در اطراف محل زندگی‌اش در منطقه شیشلی استانبول در حال پیاده‌روی و صحبت بود که فردی به نام عبدالوهاب کوچاک که گوئی با اسفنجانی از پیش هماهنگ بود، از پشت به سمت آن‌ها می‌دود و با مسلسل، ۱۱ گلوله به مسعود مولوی شلیک می‌کند و به سمت خیابان اصلی می‌رود و با کمک همدست دیگرشان و با خودرو از محل ترور دور می‌شوند. اسفنجانی هم همزمان با تیراندازی از مولوی فاصله می‌گیرد و در حالی که حواس همه به ضارب و مقتول بود فرار می‌کند.

پولیس ترکیه می‌گوید که ناصرزاده در خروج اسفنجانی از ترکیه و فرارش به ایران نقش داشته است. سیلوش ابازی شلمزاری، کسی که در رابطه با قتل مولوی بازداشت شده بود به نقش ناصرزاده در فرار اسفنجانی به ایران و تهیه مدارک جعلی بابت این کار اعتراف کرده و از این رو دادگاه حکم بازداشت ناصرزاده را صادر می‌کند.

پیش از آن نیز جمهوری اسلامی دو تن از مخالفانش را ربوده و به ایران منتقل کرده بود. خانواده جمشید شارمهد، مسؤول گروه «تندر»، مرداد ماه سال گذشته اعلام کردند او هنگامی که در دوی اقامت داشت از سوی مأموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ربوده شد.

جمهوری اسلامی، جمشید شارمهد را به مشارکت در عملیات بمب‌گذاری در حسینیه‌ای در شیراز متهم کرده است و وزارت اطلاعات ایران بلافاصله پس از اعلام خبر بازداشت او فیلم «اعترافات» اجباری‌اش را از صدا و سیما پخش کرد.

پیش از شارمهد جمهوری اسلامی روح‌الله زم را از عراق ربود، به ایران منتقل و او را اعدام کرد. سپاه پاسداران مهر ماه سال ۹۸ طی بیانیهای خبر از بازداشت روح‌الله زم، مدیر و موسس سایت آمدنیوز را داد؛ در این بیانیه اما اشاره‌ای دقیق به شیوه یا مکان بازداشت او نشد.

آذرماه سال گذشته وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی توسط یک زن به نام «م.صابرین»، حبیب اسبود را از سوئد به ترکیه کشاند و پس از خوراندن دارو به او، با کمک یک گروه «مشهور قاچاقچی مواد مخدر تحت امر وزارت اطلاعات ایران» با دست‌وپای بسته و داخل یک خودرو به استان وان در نزدیکی مرزهای ایران رساند و از آنجا او را به داخل کشور انتقال داد.

جمهوری اسلامی بازگرداندن مخالفان سیاسی به داخل کشور را به عنوان موفقیت و اقتدار سیستم‌های سیاسی و امنیتی خود نشان می‌دهد.

بازداشت عبدالملک ریگی رهبر گروه جندالله در زمستان سال ۱۳۸۸ هم از این موضوع مستثنی نبود و با عنوان موفقیت بزرگ برای وزارت اطلاعات در رسانه‌های رسمی منعکس شد.

مصطفی محمدنجار، وزیر کشور وقت، اسفندماه سال ۸۸ از دستگیری ریگی در خارج از کشور و انتقال او به ایران خبر داد. هرچند آن زمان حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات در برنامه صدا و سیما گفته بود که مأموران وزارت اطلاعات این عملیات را در خارج از کشور مدیریت اما او را در داخل کشور دستگیر کردند. عبدالملک ریگی به محاربه و فساد فی‌الارض محکوم و در خرداد ۱۳۸۹ اعدام شد.

لیست نام افرادی به دلیل مخالفت با جمهوری اسلامی از خارج از ایران ربوده شده و به ایران بازگردانده شدند، بسیار بلندتر از این است.

موضوع ربودن مخالفان جمهوری اسلامی از سوی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی موضوع جدیدی نیست و جمهوری اسلامی از اوایل انقلاب ۵۷ دست به چنین اقداماتی زده است.

عوامل امنیتی - اطلاعاتی جمهوری اسلامی در خارج کشور از هر امکانی بهره می‌گیرد تا از سازمان‌ها و احزاب اپوزیسیون و همچنین فعالین عرصه‌های فرهنگی، روزنامه‌نگاری، اجتماعی، سیاسی و رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شناسائی و بدنام کند.

آن‌ها سعی می‌کنند وارد سازمان‌ها و احزاب و رسانه‌های مخلف جمهوری اسلامی شوند تا از درون آن‌ها را دچار بحران و در معرض فروپاشی قرار دهند.

برای مثال، شبکه اجتماعی فیس‌بوک از غیرفعال کردن حدود ۲۰۰ حساب کاربری به اتهام دست داشتن در عملیات جاسوسی به نفع جمهوری اسلامی ایران خبر داده است.

فیس‌بوک پنج‌شنبه ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۱، اعلام کرد این حساب‌های کاربری متعلق به اعضای یک شبکه بود که خود را به عنوان کارکنان یا عرضه‌کنندگان خدمات کاریابی در شرکت‌های صنایع دفاعی و هوافضا در آمریکا و کشورهای اروپائی معرفی می‌کردند تا متخصصان هوافضا و کارکنان ارتش آمریکا را به «دام بیندازند».

فیس‌بوک می‌گوید حدود ۲۰۰ نفر طعمه این گروه از جاسوسان سایبری شده اند و این شبکه اجتماعی توانسته است به بیش‌تر آن‌ها در این رابطه خبررسانی کند.

به گفته مایک دویلانسکی، مدیر تحقیقات جاسوسی سایبری فیس‌بوک، ارزیابی موفقیت عملیات این شبکه مشکل است ولی این شبکه از منابع خوبی برخوردار بوده است.

به گفته دویلانسکی، «بعضی از نرم افزارهای جاسوسی مورد استفاده این شبکه به وسیله شرکت محک رایان افراز در تهران تولید شده بود.»

توثیق اعلام کرده در حال بررسی این اطلاعات است و شبکه اجتماعی لینکدین هم از غیرفعال کردن تعدادی از حساب های کاربری خبر داده است.

در جمع بندی می توانیم تاکید کنیم تا روزی که جمهوری اسلامی ایران بر جامعه ایران حاکمیت دارد نه تنها وضع موجود بهتر نخواهد شد، بلکه رو به وخامت بیش از این هم خواهد رفت.

جمهوری اسلامی به معنای واقعی، نماد تروریسم در جهان است. این حکومت در آمارهای بین المللی در صدر بالاترین اعدام ها قرار دارد و شاید تنها حکومت جهان است که کودکان را نیز اعدام می کند.

جمهوری اسلامی اصلی ترین و مهم ترین حامی تروریسم و سازماندهی گروه های تروریستی به ویژه اسلامی در منطقه و جهان و همچنین طراح جنگ های «نیابتی» دست کم در کشورهای لبنان، سوریه، یمن، افغانستان و ... است. جمهوری اسلامی زنان را به طور سیستماتیک سرکوب می کند و از این نظر این حکومت یک آپارتاید جنسی در ایران برپا کرده است.

جمهوری اسلامی ایران، دشمن درجه آزادی بیان و اندیشه و تشکلیابی مستقل از دولت است. زندان های این حکومت علاوه بر زندانیان سیاسی، مملو از نویسندگان، روزنامه نگاران، هنرمندان و فعالین جنبش های اجتماعی همچون کارگران، زنان، دانشجویان، محیط زیست، آزادی زبان های مادری و اقلیت های مذهبی است.

در یک کلام در ۴۲ سال که از حاکمیت جمهوری اسلامی بر جامعه ایران می گذرد شکاف طبقاتی عمیق تر شده و قشر جدیدی از سرمایه داران ظهور کرده اند که بسیاری از آنها این همه ثروت های هنگفتی که در اختیار دارند، حتی یک روز هم زحمت نکشیده اند. در مقابل در این دهه ها، بیش از ۹۵ درصد جامعه ایران فقیر و فقیرتر شده اند و گرانی روز افزون و فقر و بی خانمانی نیز در جامعه ما غوغا می کند.

خدمات اجتماعی به شدت محدودتر شده اند و مراکز آموزشی نیز تحت فشار ایدئولوژی مذهبی حکومت قرار دارند. در واقع جمهوری اسلامی، حتی به عرصه بهداشت و درمان و آموزش نیز همانند عرصه های دیگر به عنوان بازار و کالا نگاه می کند. دین و ایمان واقعی سران و مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی، پول و زور و قدرت است!

اکنون بحران کرونا نیز مانند همه جای دنیا دامن گیر مردم ایران شده است. با این تفاوت که کارنامه جمهوری اسلامی ایران در پیش گیری ویروس کرونا سیاه و سیاه است.

امروز جمعه، ۲۵ تیر- ۱۶ ژوئیه، مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت ایران گزارش داد که در ۲۴ ساعت گذشته، ۱۹۹ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان باختگان این بیماری در ایران به ۸۶ هزار و ۷۹۱ نفر رسیده است.

۲۱ هزار و ۸۸۵ بیمار جدید مبتلا به کرونا در این کشور شناسایی شده اند و تا این تاریخ مجموع بیماران کووید ۱۹ در ایران به سه میلیون و ۴۸۵ هزار و ۹۴۰ نفر رسیده است

پژوهش های مجلس شورای اسلامی، آمارهای اعلام شده توسط نهادهای رسمی جمهوری اسلامی غیر واقعی هستند و دست کم شش برابر کمتر از آمارهای واقعی اعلام می شوند.

خلاصه کلام، اصولاً همه سازمان‌ها و احزاب و فعالین عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اپوزیسیون، وظیفه آگاهانه و داوطلبانه دارند تا هرگونه ظلم و ستم، شکنجه و زندان، اعدام و ترور جمهوری اسلامی بر علیه هر شهروندی را در داخل و خارج کشور محکوم کنند.

بحث در اینجا اِدا بر سر اتحاد و همکاری بین سازمان‌ها و احزاب و افراد صاحب‌نظر و مطرح اپوزیسیون نیست، بحث به همین سادگی محکوم کردن تروریسم جمهوری اسلامی بر علیه هر سازمان و حزب و فعالین مخالف جمهوری اسلامی است. اما متأسفانه در این عرصه نیز فرقه‌گرایی دامن بسیاری از سازمان‌ها و احزاب، نویسندگان و هنرمندان، روزنامه‌نگاران و فعالین سایر عرصه‌های اجتماعی همچون فعالین دفاع از حقوق پناهندگان و غیره از گرایش‌ها چپ تا راست و میانه گرفته است.

با این وجود امیدوار باشیم تا شاید همه جریانات و فعالین اپوزیسیون جمهوری اسلامی به ویژه سرنگونی‌طلبان، در این مورد تجدید نظر کنند و در هر جا هستند خود را به عنوان عضوی از جنبش‌های اجتماعی - سیاسی ایران تصور کنند که قادرند کلیت جمهوری اسلامی را سرنگون کنند تا همه شهروندان جامعه ما بدون توجه به جنسیت، ملیت، عقاید سیاسی و باورهای مذهبی از حقوق یکسان، برابر و انسانی برخوردار باشند، بدون «خودی» و «غیرخودی» کردن تروریسم جمهوری اسلامی و سایر جنایت‌های این حکومت آدم‌کش را با صدای بلند محکوم کنند. در عین حال هر نقد خود از هر جریانی و فردی را در جای خود و زمان خود مطرح کنند.

در یک کلام جمهوری اسلامی ایران شرم بشریت، آن‌هم در قرن بیست و یکم است در حالی که جای واقعی این حکومت و حکومت‌ها و سازمان‌های شبیه آن، گورستان تاریخ است!

جمعه بیست و پنجم تیر ۱۴۰۰ - شانزدهم جولای ۲۰۲۱



WANTED BY THE FBI

ALIREZA SHAHVAROGHI FARAHANI

Conspiracy to Kidnap; Conspiracy to Violate the International Emergency Economic Powers Act; Conspiracy to Commit Bank and Wire Fraud; Conspiracy to Commit Money Laundering





MAHMOUD KHAZEIN

Conspiracy to Kidnap; Conspiracy to Violate the International Emergency Economic Powers Act; Conspiracy to Commit Bank and Wire Fraud; Conspiracy to Commit Money Laundering



MAHMOUD KHAZEIN

Conspiracy to Kidnap; Conspiracy to Violate the International Emergency Economic Powers Act; Conspiracy to Commit Bank and Wire Fraud; Conspiracy to Commit Money Laundering



ALIREZA SHAHVAROGHI FARAHANI

Conspiracy to Kidnap; Conspiracy to Violate the International Emergency Economic Powers Act; Conspiracy to Commit Bank and Wire Fraud; Conspiracy to Commit Money Laundering



KIYA SADEGHI

Conspiracy to Kidnap; Conspiracy to Violate the International Emergency Economic Powers Act; Conspiracy to Commit Bank and Wire Fraud; Conspiracy to Commit Money Laundering



OMID NOORI

Conspiracy to Kidnap; Conspiracy to Violate the International Emergency Economic Powers Act; Conspiracy to Commit Bank and Wire Fraud; Conspiracy to Commit Money Laundering





در سال‌های گذشته، عمده عملیات‌های تعقیب و مراقبت وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی در خاک اروپا با شکست مواجه شد و عوامل اجرائی آن، که بیشتر ایرانی و از پناهندگان سیاسی ساکن کشورهای منطقه اسکندیناوی بودند، بازداشت شدند. تنها مورد مشابه در خاک امریکا را نیز اداره تحقیقات فدرال (افبی‌آی) در مهرماه سال ۱۳۹۸ کشف و خنثی کرد که در جریان آن، دو شهروند ایرانی مقیم ایالت کالیفرنیا به نام‌های احمد رضا محمدی دوستدار ۳۹ ساله و مجید قربانی ۶۰ ساله به اتهام جاسوسی از یک مرکز یهودیان و همچنین اعضای ارشد گروه مجاهدین خلق در امریکا بازداشت و پس از اعتراف، به ترتیب به ۳۸ و ۳۰ ماه زندان محکوم شدند.

ناتوانی جاسوسان وزارت اطلاعات در خاک امریکا در انجام مأموریت‌های جمع‌آوری اطلاعات در مورد مخالفان سبب شد تا تیم ربایش این ارگان امنیتی با استخدام یک کارآگاه خصوصی ساکن محله منهتن نیویورک، به تهیه اطلاعات لازم برای عملیات ربایش مسیح علی‌نژاد دست بزنند. در این راستا، کیا صادقی که به نظر می‌رسد تنها فرد از این تیم چهارنفره بود که به زبان انگلیسی تسلط داشت، در ۲۴ تیر ۱۳۹۹ با این کارگاه خصوصی تماس گرفته و مدعی شده بود که مسیح علی‌نژاد متهم به فساد مالی و شاکی او که ساکن امارات متحده عربی است برای شکایت از او، به اطلاعات نیاز دارد و در این راستا، از او می‌خواهد تصاویر و فیلم با کیفیت بالا از افراد ساکن خانه او، خودروهای آن‌ها تهیه کند و در انتها، یک شماره تماس با پیش‌شماره کشور امارات متحده عربی به او می‌دهد.

بیشتر بخوانید



[متهم به توطئه ربودن مسیح علی‌نژاد در کنار هنرمندان و ورزشکاران ایرانی](#)



دادگستری امریکا، اطلاعات ایران را به توطئه برای ربودن مسیح علی‌نژاد متهم کرد



ایران ادعای امریکا در مورد توطئه برای آدم‌ربائی در نیویورک را «مضحک» خواند

سه روز بعد در ۲۷ تیر ۱۳۹۹ (۱۷ ژوئیه ۲۰۲۰)، مبلغ ۶۷۰ دلار دستمزد این کارگاه خصوصی از طریق نیلوفر بهادری‌فر ملقب به «نلی» با درخواست محمود خاضعین پرداخت شد. این کارگاه خصوصی نخستین تصویر از محل زندگی مسیح علی‌نژاد را اول مرداد ۱۳۹۹ به ایمیل صادقی می‌فرستد. چند روز بعد، صادقی از کارآگاه خصوصی می‌خواهد از دوست مسیح علی‌نژاد نیز جاسوسی کند. او در ۱۲ مرداد از کارآگاه خصوصی می‌خواهد تصاویر با کیفیت و فیلم از فعالیت‌های روزانه مسیح علی‌نژاد از ساعت ۷ صبح تا ۳ بعدازظهر تهیه کند و همچنین از تمامی اشیاء اطراف او شامل نامه‌های داخل صندوق پست خانه‌اش عکسبرداری کند. برای انجام این موارد، ۲۴۵۰ دلار دستمزد به این کارگاه خصوصی پرداخت می‌شود.

در ۲۱ مرداد ۱۳۹۹، صادقی از این کارگاه خصوصی می‌خواهد بهمدت دو روز از خانه مسیح علی‌نژاد جاسوسی کند و به او هشدار می‌دهد مراقب دوربین مداربسته خانه همسایه علی‌نژاد باشد. با آغاز روند جاسوسی و پس از ارسال نخستین تصاویر، صادقی از کارآگاه خصوصی می‌خواهد ساعتی یک فیلم و دو عکس برای او ارسال کند و همچنین، تصاویر با کیفیت باشد و شماره پلاک خودروها را نشان بدهد. روز ۲۳ مرداد، کارآگاه خصوصی چند فیلم و عکس برای صادقی ارسال می‌کند که بر اساس ایمیل‌های ردوبدل‌شده بین آن دو، به نظر نمی‌رسد انتظارهای وزارت اطلاعات را برآورده کرده باشد. صادقی تصاویر و فیلم‌های ارسالی کارآگاه خصوصی را مرتب برای علیرضا شاهواروقی فراهانی، رئیس تیم ربایش، ارسال می‌کرد.

در ۱۲ مهر ۱۳۹۹، مبلغ ۱۰۰۰ دلار دیگر به حساب این کارآگاه خصوصی واریز شد و پنج روز بعد در ۱۷ مهر، کارآگاه خصوصی لینک وبسایت محل بارگذاری چند فایل شامل فیلم‌ها و تصاویر مسیح علی‌نژاد که او و همسرش را در محل زندگی‌شان در حال باغبانی و سایر فعالیت‌های روزانه در ۱۵ و ۱۶ مهر نشان می‌داد، به ایمیل صادقی ارسال شد. کارآگاه خصوصی اقدام‌های مشابهی به درخواست تیم ربایش وزارت اطلاعات در دی و بهمن سال گذشته انجام داد. به‌عنوان مثال، او در قبال دریافت ۱۶۰۰ دلار، در ۶ و ۱۳ بهمن، چند ساعت فیلم و تصاویر دیگر تهیه کرد و برای صادقی فرستاد و صادقی نیز این تصاویر و فیلم‌ها را برای طراحی عملیات ربایش مسیح علی‌نژاد به امید نوری و علیرضا فراهانی معروف به «حاج علی» تحویل داد.